



امام خمینی (ره) منظور از روایان حدیث را علمای مجتهد می‌داند

سیدحسین نصرالله در سومین جلسه تبیین نظریه ولایت فقیه به بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پرداخت و گفت: از دیدگاه امام خمینی (ره) منظور از روایان حدیث در بحث ولایت، علمای مجتهد هستند.

سیدحسین نصرالله در سومین جلسه تبیین نظریه ولایت فقیه به بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پرداخت و گفت: از دیدگاه امام خمینی (ره) منظور از روایان حدیث در بحث ولایت، علمای مجتهد هستند.

به گزارش خبرگزاری فارس، سلسله جلساتی با موضوع «171#&درس‌هایی از ولایت فقیه» با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین نصرالله، برگزار شده است که مشروح سخنان جلسه سوم آن در پی می‌آید.

*** مسئولیت تبیین و ابلاغ احکام الهی در زمان غیبت بر عهده ولی فقیه است**

در جلسه قبل در مورد دلایل و خصوصیات ولایت فقیه صحبت کردیم و گفتیم در زمان غیبت امام عصر (عج)، مسئولیت هدایت و ولایت و سرپرستی مسلمین بر عهده ولایت فقیه است؛ یعنی ولی فقیه جامع الشرایط - و شرایط و خصوصیات مجتهد جامع الشرایط را نیز ذکر کردیم - و عنوان کردیم از نظر امامان ما، مسئله ولایت مسلهای واضح، روشن و بدیهی است و نیازی به استدلال و برهان برای اثبات ضرورت وجود آن نیست، اما اگر اکنون برای اثبات آن نیاز به برهان است به این دلیل است که به دلایل سیاسی و زمانی در دوره بعضی حکام اسلامی از پرداختن به آن غافل شده‌اند - و دلایل آن را نیز ذکر کردیم - .

و روایات و احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) بر ضرورت ولایت فقیه آوردیم که جای شک و شبهه‌ای برای ما باقی نمی‌گذارند. اکنون می‌خواهیم از بیانات گوهر بار امام خمینی (ره) برای اثبات ضرورت ولایت فقیه استفاده کنیم. از روایات و احادیث نقل شده می‌توانیم بفهمیم که در زمان غیبت و یا بهتر است بگوییم وقتی به امام معصوم (ع) دسترسی نداشته باشیم، مثلاً امام موسی کاظم (ع) در زندان بود و امکان دسترسی به آن برای مسلمانان شیعه ممکن نبود یا امام رضا (ع) در قصر زندانی بود یا امام حسن عسکری (ع) نیز در پادگانی زندانی بود، اکنون وظیفه ما چیست؟ یا دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم مشکل اکنون، عدم وجود امام نیست، چرا که امام ما موجود است اما غایب است؛ یعنی از دیده‌ها پنهان است.

*** امام خمینی (ره) می‌فرماید: پیامبر اکرم (ص) و امامان، ما را به حال خود رها نکرده‌اند**

نظر امام خمینی (ره) این است که می‌فرماید: پیامبر اکرم (ص) و امامان، ما را به حال خود رها نکردند؛ چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: علی (ع) خلیفه مسلمین است و اوست که حق ولایت دارد؛ بعد از او فرزندش امام حسن (ع) سپس امام حسین (ع) تا امام دوازدهم، فرموده‌اند که بعد از غیبت امام عصر (ع) به ولی فقیه رجوع کنید؛ این مسئله ولایت در زمان عصر تکنولوژی و کامپیوتر کشف نشد بلکه از زمان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) مثلاً در زمان غیبت صغری از امام زمان (ع) پرسیده شده در صورتی که مسله‌ای پیش آید به چه کسی مراجعه کنیم؟ فرمودند به نواب اربعه من برای حل مشکلات خود رجوع کنید. پیامبر اکرم (ص) و امامان دیگر از جمله امام صادق (ع) فرمودند در صورتیکه مردم مسلمان امکان دسترسی به امام معصوم (ع) را نداشته باشند باید به ولایت فقیه رجوع کنند که او دارای اختیاراتی مشابه آنهاست.

بحثی که می‌خواهم مطرح کنم از کتاب حکومت اسلامی امام خمینی (ره) است که به طور خلاصه بیان می‌کنم اگر کسی دوست داشت می‌تواند به این کتاب رجوع کند و اطلاعات وافر و زیادی به دست آورد و به اندازه‌ای برایتان شرح می‌دهم تا داستان ولایت را که روشن است برای شما بازگو نمایم.

روایاتی که امام خمینی (ره) در کتاب خود آورده است دو نوع است؛ نوع اول روایات اصلی که از آن‌ها به طور گسترده و اساسی استفاده می‌کند زیرا امام با استناد به این روایات بیان می‌دارد که این روایات بسیار منقول هستند و سندی محکم دارند و موضوع ولایت را از رسول اکرم (ص) تا الان بیان می‌دارند.

نوع دوم، روایاتی هستند که سند آنها کمی مشکل دارند؛ اما ما از آنها بعنوان تایید کننده و مؤید استفاده می‌کنیم.

*** امام خمینی (ره) می‌فرماید منظور از روایان حدیث، علمای مجتهد ماست**

از روایات نوع اول شروع می‌کنیم که قبل از شروع، می‌خواهم اصطلاحی را برایتان بازگو نمایم: در روایات آمده است که وقتی رسول اکرم (ص) می‌فرماید «171#&یرؤن حدیثی» یا امام زمان (ع) می‌فرماید: به روایات حدیث ما رجوع کنید. آیا این درست است که کسی حدیثی را از پیامبر اکرم (ص) و یا امام زمان (ع) نقل کند جز روایات حدیث قرار می‌گیرد؟ امام خمینی (ره) می‌فرماید منظور از روایان حدیث، علمای مجتهد ماست؛ یعنی قادر باشند بفهمند که این حدیث از کیست، صحت و سقم آن را تشخیص بدهند نه اینکه هر شخصی می‌تواند جز روایان حدیث قرار گیرد؛ یعنی از متن حدیث بفهمد که این حدیث از

رسول اکرم(ص) یا امامان(ع) است. زیرا ما احادیث و روایاتی داریم که منسوب به رسول اکرم(ص) یا امامان(ع) باشد و اینجا وظیفه فقیه این است که تشخیص دهد آیا این حدیث واقعیت دارد یا نه؟ مثلاً احادیثی وجود دارد که به پیامبر اکرم(ص) نسبت داده شده است که می‌گوید این کار را بکنید به جهنم می‌روید و دیگری به بهشت! و غیره و وظیفه راویان حدیث اینجا این است که تشخیص دهند آیا واقعا این حدیث به پیامبر اکرم(ص) منسوب است یا نه. راوی حدیث باید بداند مثلاً وقتی امامی از امامان معصوم(ع) حدیثی نقل کرده باید بداند این حدیث در چه زمانی و در چه شرایطی بیان کرده است.

* صرف بیان حدیثی از پیامبر اکرم(ص) دلیلی بر راوی بودن نیست

خلاصه اینکه صرف گفتن حدیثی از پیامبر اکرم(ص) دلیلی بر راوی بودن حدیث نیست! زیرا من می‌توانم کتاب کافی را که دارای هزاران حدیث از رسول اکرم(ص) را بگیرم و چند حدیث از آن را بخوانم آیا می‌توانم خود را راوی حدیث بنامم؟ خیر! پس راویان احادیث ما نه تنها حدیثی را روایت می‌کنند بلکه از صحت و سقم آن نیز آگاهی دارند؛ یعنی اینان کسانی نیستند جز علما و فقها! در حقیقت کسی که احادیثی غیر از احادیث پیامبر اکرم(ص) و امامان(ع) را که منسوب به این بزرگواران هستند را بیان می‌کند در حقیقت راوی احادیثی از غیر پیامبر اکرم(ص) و امامان(ع) شده است و اینها احادیث پیامبر اکرم(ص) نیستند؛ بلکه اینها احادیث اسلام هستند. پس راویان احادیث ما نسبت به مضمون، دلایل معنای احادیث و روایات آگاهی کامل دارند و این طور نیست که آن را بدون تجزیه و تحلیل بپذیرند.

قال امیرالمومنین(ع) و قال رسول الله(ص) اللهم ارحم خلفایی؛ یعنی خداوند جانشینان مرا در پناه خود حفظ کن؛ به او گفتند یا رسول الله(ص) خلفای شما چه کسانی هستند؟

رسول اکرم فرمود: جانشینان من همان روایان حدیث هستند که مردم را می‌آموزند و دستورات الهی را به مردم بعد از من یاد می‌دهند. امام خمینی(ره) می‌فرماید: این حدیث کامل و واضح است که جانشینان پیامبر در این حدیث مشخص شده‌اند. در بیان دیگری امام خمینی می‌فرماید جانشینان پیامبر دو نوع هستند: نوع اول امامان معصوم(ع) هستند. نوع دوم: راویان حدیث هستند در حقیقت آنها جانشینان امامان(ع) هستند؛ یعنی جانشینان پیامبر(ص) کسانی هستند که بعد از پیامبر می‌آیند راویان حدیث هستند و بر طبق سنت رسول عمل می‌کنند. امام خمینی(ره) بار دیگر تأکید می‌کند در اینجا منظور از راوی حدیث فقط ناقل و گوینده آن نیست؛ بلکه منظور کسی است که بتواند صحت و سقم حدیث را بشناسد. وقتی گفته می‌شود: خداوند جانشینان مرا در پناه خود قرار ده منظور چیست؟ مثل این است وقتی ما می‌گوییم پیامبر اکرم(ص) فرمود: ان علی خلیفتی. همانا علی(ع) جانشین من است. پس جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند. که علی(ع) ولی امر مسلمین است.

* از منظر امام خمینی(ره) وظیفه راویان حدیث فقط ابلاغ احادیث نیست

امام خمینی(ره) می‌فرماید: وظیفه راویان حدیث فقط ابلاغ احادیث نیست بلکه باید آن را در بین مردم بکار بگیرند و آن را اجرا بکنند، امام خمینی(ره) روایتی دیگر بیان می‌دارد که امام موسی کاظم(ع): «اذا مات المومن الفقیه بکت علیہ الملائکة و بقاع الارض التي كان یعبد الله فیها، التي كان یؤوب الله الذي كان یصعد فیہ با عماله. تلم بالسلام ثم لا یسئ هاشی لان المومنین الفقهاء حصون الاسلام کحصن المدینة لها» در اینجا امام موسی کاظم(ع) فقهای اسلامی را به دژهای مستحکمی توصیف می‌کند.

امام خمینی(ره) در این مورد به تجزیه و تحلیل می‌پردازد که چگونه علما می‌توانند دژ مستحکم برای اسلام باشند؟! آیا به مجرد اینکه حدیثی را بیان کنند جز دیوارهای مستحکم اسلام می‌شوند؟ مطمئناً نه و تنها در موردی که این علما به ابلاغ احکام و دفاع از آنها می‌پردازند و از فکر و فرهنگ اسلامی دفاع کنند و از اراضی و سرزمین‌ها و مرزهای مسلمین دفاع کنند و هنگامی که تعالیم اسلامی را بکار برد جز دژهای مستحکم اسلام قرار می‌گیرند؟! آیا وقتی کشوری مسلمان دچار تهاجم فرهنگی شود و دشمنان اسلام برای مسلمانان شک و شبهه ایجاد می‌کنند آیا علمای اسلام باید کنار بایستند؟! که در جواب باید گفت «خیر! سوال دوم: وظیفه علمای اسلامی جمع‌آوری اموال برای کمک به فقیران و تهی‌دستان است، آیا باید این افراد با فساد اقتصادی موجود در جامعه نیز مبارزه کنند؟ بله!

این احکام الهی که خداوند بر پیامبرش نازل کرده است، برای این نیست که در کتاب‌ها بماند بلکه باید در جامعه اسلامی اجرا شوند اگر دشمنان اسلام به کشوری مسلمان حمله نمایند و منافع و جان و ناموس مسلمانان به خطر بیافتد! آیا این وظیفه شما نیست که از آنها حمایت کنید؟! طبیعتاً جواب آری است اگر جواب منفی باشد در این صورت دیگر شما دژ مستحکم نیستید تا از مسلمانان دفاع کنید.

* از منظر امام خمینی(ره) علما باید مانند زمان پیامبر اکرم(ص) احکام الهی را در جامعه اسلامی به اجرا بگذارند

امام خمینی(ره) می‌فرماید که علما باید مانند زمان پیامبر اکرم(ص) احکام الهی را در جامعه اسلامی به اجرا بگذارند. مثلاً امام موسی کاظم(ع) می‌فرماید ای مومن! وظیفه تو نگهداری از اسلام است. پس این «دفاع» چیزی جز مسولیت نیست و فقط حرف زدن و عمل نکردن نیست. پس وظیفه فقیه دفاع از اسلام مبارزه با

فقر و تنگدستی، برقراری قسط و عدالت در بین مردم است و حتی این وظایف و مسئولیت‌های فقیه ممکن است منجر به شهادت وی شود! زیرا او مسؤول است که دین و احکام الهی را در بین مردم جاری نماید.

روایت سوم امام خمینی(ره): امام صادق (ع) می‌فرماید: فقها امینان پیامبران هستند به شرطی که مادی‌گرا نباشند - و اینها همان شرط‌هایی است که قبلا در مورد آنها بحث کردیم و از ویژگی‌های فقها است - از رسول خدا پرسیدند معنی «#مادی‌گرایی یا همان دنیوی بودن چیست؟ که در پاسخ فرمودند: «#نزدیکی به پادشاه».

در مرحله بعد باید بررسی کرد که «#فقها امینان پیامبران هستند» یعنی چه؟ که در پاسخ باید گفت؛ یعنی تمام چیزهایی که به رسول خدا(ص) امانت داده شده است؛ به ولی فقیه نیز امانت داده می‌شود و هدف او حفظ و نگهداری و اجرای این احکام است.

دقت کنید! که «#تمام چیزها» نه «#فقط بخشی از چیزها» (امین بودن در تمام موارد اسلامی) و این معنای ولایت را می‌رساند. امام خمینی(ره) می‌فرماید معنی «#امین»؛ یعنی ولی فقیه تمام احکام الهی را بدون کم و کاستی بیان نماید و آنها را اجرا نماید. پس وظیفه اصلی امامان(ع) اجرا و تطبیق احکام الهی است. پس هر امت اسلامی که رهبر و ولی نداشته باشد به مرور زمان در آن امت، اسلام از بین می‌رود.

* حفظ دین اسلام در گروی تعیین امام عادل و قادر است

از امام رضا(ع) پرسیدند که چرا خداوند امام تعیین کرده است؟! فرمود: اگر امامی عادل برای آنها تعیین نمی‌کرده است دین شما از بین می‌رفت. پس حفظ و نگهداری دین اسلام تنها به داشتن امامی که احکام الهی را بلد باشد نیست؛ بلکه امامی، رهبر، قادر و دارای قدرت که بتواند این ملت را یاری فرماید و این شخص است که می‌تواند دین اسلام را نگهداری نماید. احکام بسیاری وجود دارد که مردم می‌آیند می‌پرسند و دلایلش را می‌خواهند و حتی شاید در ادیان دیگر مورد تمسخر قرار گیرد؛ این وظیفه علماست که اینها را کشف کنند و برای مردم توضیح دهند تا شکی باقی نماند. فقها امینان پیامبران هستند؛ یعنی جایگاه فقیهان در حد پیامبران است.

روایتی دیگر: روایت توقیع: شخصی به امام زمان(ع) نامه‌ای نوشت و از او سوالاتی پرسید امام زمان(ع) به این سوالات پاسخ داد؛ نویسنده نامه می‌گوید از نائب دوم امام زمان(ع) «#محمد بن عثمان عمري» سوال کردم و نامه‌ای به او دادم که در آن نامه سوالاتی داشتم که برای من شك و شبهه‌ای به وجود آوردند و جواب آنها را با خط مبارك امام زمان(ع) دریافت کردم.

و او در جواب نوشته بود «#اگر اتفاقی افتاد که نتوانستید آن را حل کنید به راویان حدیث من رجوع کنید. و من حجت خدا هستم. بر شما و راویان حدیث حجت من بر شما هستند». در این حدیث منظور از راویان حدیث، فقها هستند؛ یعنی آن کسی که بتواند احادیث را تمیز دهد. حوادث واقعه یا همان اتفاقات؛ یعنی همان فتنه‌ها و مشکلاتی است که در طی سالها برای مسلمانان اتفاق می‌افتد، زیرا هر چه زمان بگذرد مسلمانان اتفاقات جدیدتری خواهد افتاد! اگر نتوانیم به امام دسترسی پیدا کنیم در این صورت تکلیف ما چیست؟ به چه کسی رجوع کنیم؟ جواب: به راویان حدیث من رجوع کنید که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم. امام صادق(ع) می‌فرماید همانا خداوند به شما امر می‌کند که امکانات را به صاحبان آنها پس دهید اگر بین مردم حکم کردید با عدل و قسط حکم نمایید ای کسانی که ایمان آوردید خدا و رسولش را اطاعت کنید و همچنین اولی الامر را نیز اطاعت نمایید.

«#اگر در چیزی اختلافی داشتید؛ باید آن را نزد خدا و رسولش بیاورید اگر به آخرت اعتقاد داشته باشید» و در جایی دیگر می‌فرماید «#آیا ندیده‌ای کسانی که نمود می‌کنند به تو ایمان آوردند و در حالی که به دستورات طاغوت عمل می‌کردند». منظور این است که آنها به خدا و رسولش اعتقاد داشته باشند و این اعتقاد باید در تمام زمینه‌ها باشد چه اقتصادی چه سیاسی و غیره باشد. باید مرجع آنها خداوند، رسولش و اولی الامر باشد. عمر ابن حنطه می‌گوید: «#از امام صادق(ع) پرسیدم که در بین دو نفر از ما اختلافی در مال به وجود آمد آنها برای دادخواهی پیش ملك و سلطان رفتند آیا این عمل آنها جایز است؟

امام فرمود: هر کس پیش آنها چه در زمینه حق و یا باطل برود؛ مثل اینست که پیش طاغوت رفته است حتی اگر من حق داشته باشم و پیش طاغوت رفتم این حکم باطل است و حرام است. هر چیزی که به حکم طاغوت به دست آمده است حرام است راوی می‌پرسد پس باید چه کار کنیم؟ فرمودند: باید پیش راویان حدیث خود برویم زیرا راوی حدیث ما احادیث روایت و احکام ما را می‌داند و من او را بعنوان حاکم بر شما منصوب کردم»

* امام صادق(ع) ولی فقیه عادل را به عنوان حاکم بر انسان‌ها معرفی می‌کند

امام خمینی(ره) از این روایات استفاده می‌کند و آن را بعنوان يك روایت واضح و کامل می‌داند؛ امام صادق(ع) ولی فقیه عادل را به عنوان حاکم بر انسان‌ها معرفی کرده است. پس حاکم در اینجا فقط به معنی حاکم نیست بلکه باید او مردم را هدایت کند و احکام الهی را اجرا کند. امام خمینی(ره) می‌فرماید شاید کسی پیدا شود و بگوید که روایت توقیع از کجا معلوم است از امام زمان است؟ امام می‌فرماید مشکلی نیست روایت عمر بن حنظله را به عنوان روایت کامل و مطلق بیان می‌دارد؛ یعنی حتی اگر روایتی پیدا نکنیم که لزوم وجود آنها را اثبات کند کافی است به این فکر کنیم که روایتی هم نیست که وجود ولایت را نفی کرده باشد و این بیانات و دلایل تا ظهور مهدی موعود(ع) قائم است.

پس از این روایت می‌توانیم بفهمیم که رسول خدا و امامان ولی فقیه را بعنوان جانشینان خود معرفی کردند و به او در تمام زمینه‌ها ولایت دادند.